

## شاهنشاه ایران و مسئله دین و مذهب

امیر فیض- حقوقدان

اعتراض به شاهنشاه ایران در باب حمایت از مذهب و شعائر آن، گهگاهی سر از آستین کینه توزی اشخاصی سرمیکشد و مردمی سطحی بلای شورش مذهبی سال ۵۷ را در رابطه با توجهات شاهنشاه به مذهب و دین میدانند در سال ۱۳۶۱ اوج این ادعا بسیار فزاینده و آزار دهنده بود و برای مردم بی مایه و منتظر نسبت دادن قصور و اتهام به دیگران فرصتی مناسبی فراهم شده بود که مسئله گرایش های مذهبی شاهنشاه را بارزه اصلی شورش ۵۷ نشانه گیرند. ناچار رساله ای تحت عنوان «اوچنین بود» از انتشارات سنگر برای ایرانیان ارسال گردید که از سوی ایرانیان چندین بار تجدید چاپ شد.

ادعای ناپخته و سطحی کسی که شهره دشمنی خاص باشاهنشاه ایران و رضاشاه دوم است در سایت (منظور ایمیل های) جاوید ایران انگیزه تنظیم این تحریر شد.

باری در آن رساله (اوچنین بود) کوشش شده بود که به چهره مذهبی و چهره سیاسی و کشورداری شاهنشاه ایران نگاه شود.

حیطه کار آن رساله آن بود که با یاری از سخنان شاهنشاه ایران و تصاویر، نیت رساله تامین شود.

رساله مزبور که بمناسبت دومین سالروز درگذشت جانفزای شاهنشاه تنظیم و به روان آن بزرگ مرد ایران و پیروان حقیقی او تقدیم گردید حاوی مطالبی است که شاید در فرصت هائی ضرورت پخش مطالب آن بوسیله «جاوید ایران» احساس شود؛ ولی اکنون قصد ورود به آن نیست، بلکه انگیزه تنظیم این تحریر پاسخ به ادعای ناپخته و سطحی کسی است که شهره دشمنی خاص با شاهنشاه ایران و رضاشاه دوم است و اخیرا باز مطالبی فرستاده بود که جاوید ایران آنرا برای آگاهی همگان گذاشته است.

### واما بعد

#### شناخت مردم و شناخت شاه از دین و مذهب

حقیقت توأم با انصاف و بدون ازکینه توزی، با شاهنشاه ایران ایجاب میکند تا قبول کنیم دیدگاه های شاهنشاه ایران از دین و مذهب همان شناختی بوده است که ملت ایران در طول اعصار و اقران متمادی به آن باور بسته بودند. همه ایرانیان.

نه شاهنشاه و نه مردم مشکلی از وجود مذهب و دین احساس نمیکردند. شاهنشاه و مردم اسلام را بدان معنا یافته بودند که اسلام دین خداست و خداوند عادل و مهربان و رحیم است و هرگز خداوند به صفات قهار و انتقام گیرنده معروف و شناخته نشده بود، عجیب و غیرقابل باور بود اگر کسی نام خداوند را قهار

میخواند، از مدارس ابتدائی شناسنامه خدا <خدواند مهربان> بود که بما آموخته میشد. (خدوانده بخشنده و مهربان).

فرهنگ ایرانی دین و پادشاهی را توامان و موجب استقلال و هستی و بقای آسایش مردم میدانست چنانکه از فرهنگ کهن ماست که میگوید:

بود دین و شاهی چو تن یاروان	بدین هردو پا دارد جهان
چنان دان که شاهی و پیغمبری	دوگوهر بود در یک انگشتری
چنین دین و شاهی بی یکدیگرند	تو گویی که در زیر یک چادرند
نه بی تحت شاهی بود دین بجای	نه بی دین بود تخت شاهی بجای

شاهنشاه ایران و مردم، اسلام را بدان معنا یافته بودند که:

پادشاه باتاج معنویت ملی و مذهب با فلسفه روحانی در یک پیوستگی ابدی بعظمت و شکوه ایران و ایرانی میانیدشدند و سربلندی و به روزی ملت و وطن را آرمان دائمی خود میدانستند و در پیکار با فخر و ملیتی و جهان وطنی یک اعتقاد هماهنگ و یک نیروی واحد بودند و این دوی نیروی جسمانی و روحانی که یکی برآید آن دیگری برقلوب مردم حکومت داشتند، هردو میکوشیدند تا جامعه ایران را در راه ترقی و تعالی به نیروی اخلاق مسلح نموده و آهنگ حرکت را سریع و پرتوان سازند.

### اعتراف به حقیقت

آیا کسانی که امروز دین داری شاهنشاه را هدف حمله ناجوانمردانه خود ساخته اند، در سالهای سلطنت شاهنشاه همین باورهای امروزی را نسبت به اسلام و مذهب داشتند؟ یعنی اسلام را مزاحم ساختاری تمدن گرایانه جامعه میدانستند؟ از وجود دین و مذهب احساس تالم و خفت میکردند؟ آیا اگر قدرت داشتند علیه مذهب و مساجد و اسلام، شمشیری میکشیدند که امروز خواهان آنند؟

نشریه سنگردریست و دوم آبان ماه سال ۱۳۵۹ یک دوبیتی داشت بقرار زیر:

قاصدم ویران کنم آن مرقد و آن پایگاه	قاصدم حیران کنم این ملت و آن پیشگاه
این چنین رها گردید پاک	گر که بنمائیم قم و دیگر مکانها صاف و پاک

آیا قبل از شورش ۵۷ این افکاری که امروز بحق نسبت به اسلام و تشیع و آخوند داریم، ذره ای برای احدی از ما بوجود آمده بود؟ رسالات، غارت ایران - ابلیس فقیه - اسلام و حقوق بشر - نیروی بازدارنده - اسلام آمریکائی و دهها مقاله تحقیقی درباره اسلام و تشیع نوشته میشد؟

پس چرا شاهنشاه را که افکارش با افکار مردم کشورش هماهنگ و در یک مسیر بود و اکنون که دیگر نیست باید مورد عتاب دین پروری قرار گیرد؟ دلیلش غیر از کینه توزی و بهانه جوئی چیست!؟!

## جدائی دین از حکومت

شاهنشاه ایران اولین شخصیت سیاسی ایرانی است که مسئله پیروی جدائی دین از حکومت را الگوی کار حکومت ایران قرار داد، انسان خیلی باید منصف و واجد اقتدار فکری و درک باشد که به اهمیت کار مزبور واقف شود.

> **به همان اندازه که میگوئیم کار دولت از کار مذهب جداست و اختلاطش را چندسال پیش دیدیم که چه نتایج داشت و بهمان تناسبی که در آن قسمت سختگیری بکنیم که کار دین را از دولت جداکنیم مردم رابه دین داری تشویق میکنیم** <  
(از فرمایش شاه شاهنشاه از رساله اوچنین بود صفحه ۷)

ده سال قبل از شورش ۵۷ در سال ۱۳۴۹ شاهنشاه مسئله سکولاریسم و جدائی دین از حکومت را در مقابل خبرنگاران ایران مطرح فرمودند، در حقیقت گزارش اجرائی آنرا دادند؛ چرا که سالهای سال بود که در جامعه حقوقی ایران سکولاریسم به همه شاهان پهلوی جریان داشت؛ عبارت <بهمان تناسبی که در آن قسمت سخت گیری بکنیم> دلیل بوجود سیاست جدی و قاطع شاهنشاه در جدائی دین از حکومت بوده است.

آیا هیچ ایرانی هرگز به فکراین توجه و اقدام بسیار با اهمیت و فوق العاده سخت و خطرناک آن زمان بود، بغیر از شخص شاهنشاه ایران؟

آیا همین حضرات که جیک نشسته اند و شاهنشاه ایران رابه مناسبت حمایت از دین و مذهب یعنی تکلیفی که فرهنگ و سنت ایرانی و قانون اساسی برعهده شاهنشاه گذاشته بود بباد انتقاد و استیضاح گرفته اند، اصلا یاد سکولار و جدائی دین از حکومت بودند؟

قدری فکر کنید در کشوری مسلمان که قانون اساسی آن مقرر داشته که قوانین باید با اصول شریعت همگام باشد، (قانون اساسی مشروطیت ایران) ولی کشور بدون رعایت قوانین شرعی سیره قانونگزاری ملی رابپیماید و این مهم بدون برخورد ها و مخالفت های مذهبی صورت گیرد، کارآسانی است؟ که شاهنشاه ایران درکمال متانت و همراهی بامردم به اجابت و اجرای آن موفق شدند و **سنگی را گذاشتند که ملت امروز ایران راهی جز دنباله روی همان سیره شاهنشاه ایران یعنی تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت در عدم مداخله دین در حکومت نداشته باشد.**

آیا موردی میتوانید نشان دهید که در زمان شاهنشاه ایران سیاست و حکومت تابع قوانین مذهبی بوده است؟ پس با این ادراکات واضح چرا دست از تعرض بیجا درباب حمایت شاهنشاه از دین و مذهب بر نمی دارند؟؟

## آزادی در اسلام و مذهب

آنچه که مسلم است آزادی های فردی و اجتماعی در اسلام معانی خاصی دارد که با آزادی های مشروحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارد.

## اکنون به اتفاق به دیدگاه شاهنشاه توجه میکنیم

>دو عامل میبایستی بهرحال برای ما اساسی و مقدس باشد یکی اتکاء به اصول معنویت و اعتقادات مذهبی که طبعا در مورد ما عبارت از مذهب اسلام است زیرا مردم ما به این اعتقادات خود صمیمانه پایبند هستیم و هم مفهوم واقعی مذهب تحکیم کننده و قوام دهنده نظم روحی و معنوی ماست.

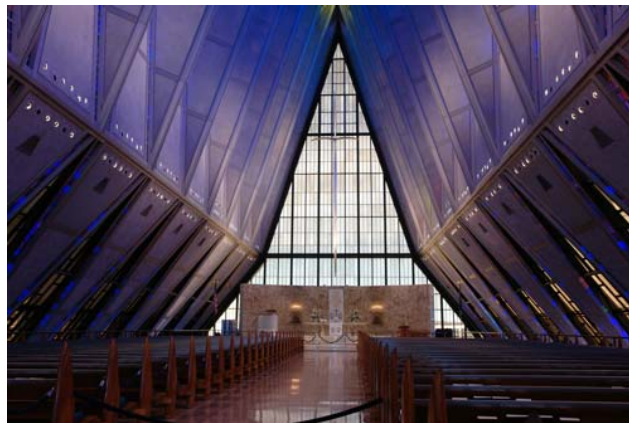
دیگری حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی و حقی تقویت آنها بطوریکه از هروقت دیگری در تاریخ ما قویتر و بیشتر باشد<

مشکل ترین کار در جامعه اسلامی حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی است که اسلام سخت مقابل آن ایستاده است، مانند حجاب و تفریحات و لباس و سرووضع مردان و زنان و آداب بسیار دیگری. در این هنگامه، شاهنشاه ایران توانست در ایران سکولار آن زمان تمام آزادیهای فردی و اجتماعی مردم را بدون مزاحمت اسلام و متصدیان، آن را فراهم کند، بدون درگیری، بدون شکست تعصبات مذهبیون. اینها کار آسانی نیست. کسی که گناه ساختن مسجد را در دانشگاه پیراهن عثمان ساخته است، و نوشته >آیا میدانید به درخواست چه کسی و بفرمان چه شخص دیگری این کار انجام شد< و بعد هم نوشته >رضا شاه کبیر مرکز تحقیق ساخت و بعد مسجد ساخته شد< و بعد هم اضافه کرده که >من تابحال نشنیده ام و نخوانده ام و ندیده ام که در مراکز علمی کشورها کلیسا ساخته شود<.

همان رضاشاه که دانشگاه را ساخت مسجد هم ساخت و ترمیم کرد و هم به حفظ شعائر مذهبی احترام میگذاشت ولی اجازه نمیداد که دین و مذهب در کشورداری دخالت کند؛ کاری که در تمام کشورهای مترقی جهان معمول است. مگر در کشورهای اروپایی و حتی آمریکا کم کلیسا هست؟ تنها در قاهره ۵۰۰۰ مسجد وجود دارد در مدارس و باشگاه ها و مراکز اجتماعی و حتی شرکت های بزرگ کشورهای اروپایی اطافی مخصوص با علامت صلیب جایگاه عبادت شناخته میشود.

هرچیز که ایشان نداند و یا دیگران ندانند دلیل عدم وجود نیست.

[[اینجا چند نگاره و چند آدرس برای کلیساهای درون دانشگاه ها و مراکز نظامی دنیا اشاره میشود. این ها در نوشته نبود و برای ثبت در تاریخ به این نوشته اضافه شده است. ح-ک]]



کلیسای کادت (سربازان آموزشی) در نیروی هوایی آمریکا



مرکز «باگمن» در دانشگاه فلوریدای آمریکا



کلیسای پتن در دانشگاه تنسی چاتانوگا - آمریکا

همچنین:

سیج چاپل در دانشگاه کورنل

کلیسای سنت جوزف (جوزف مقدس) در کالج اسپرینگ هیل



کلیسای مموریال در دانشگاه استنفورد

کلیسای آلومنی در دانشگاه میشیگان

کلیسای دانشگاه وزلیان

کلیسای واسر در کالج واسر

کلیسای بادوئن در کالج بادوئن

کاخ بوکینگام انگلستان وابسته به کلیسا است و تاجگذاری ملکه توسط کشیش های کلیسا صورت میگیرد.

در این آدرس لیست تمام دانشگاه هایی که به ترتیبی با کلیسا ارتباط دارند گذاشته شده است:

[https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_universities\\_and\\_colleges\\_affiliated\\_with\\_the\\_Churches\\_of\\_Christ](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_universities_and_colleges_affiliated_with_the_Churches_of_Christ)

هرکشوری رسم و رسوم خودش را دارد مقایسه ایران اسلامی، آنهم ایران ۵۰ سال قبل با کشورهای مسیحی که آداب عبادت مذهبی آنها بسیار متفاوت است درست نیست

### ساخت مسجد دانشگاه

ساخت مسجد دانشگاه- تعمیرات مساجد – زیارتگاه ها که مشروحا در رساله «اوچنین بود» پیاده شده نه بخواست ونه به اراده شاه ودولت بود. قانون بودجه بنابر حقوقی که در قانون اساسی و متمم آن منظور شده فصل بندی میشود وفصلی از آن بودجه به عمران و آبادی مراکز مذهبی وتوسعه شعائر آن که در قانون اساسی و متمم آن پیاده شده اختصاص مییابد. لایحه بودجه به تصویب مجلس میرسد و دولت

موظف است که آنرا اجرا کند و حتی شاه حق ندارد که از توشیح لایحه بودجه که فقط در صلاحیت مجلس شورایملى بوده نه سنا خودداری کند، آیا باز هم سازنده مسجد دانشگاه شاهنشاه ایران است؟ و یا طبیعت جامعه ایران و وفاق مشروطیت و درنهایت از حقوق قانون اساسی است، و شاه در این مقوله کاره ای نیست.

کی شما میخواهید بفهمید که شاه در امور کشورداری مسئولیتی ندارد و مسئولیت فرامین و خواسته هایش دولت و وزیر مربوطه است. آنقدر که ادعا دارید «**قولاد آبدیده**» هستید یک ذره هم به اصول توجه داشته باشد و بی دلیل کرکری نخوانید. اگر بخواهید مسبب ساختن مسجد دانشگاه را شناسایی کنید انقلاب مشروطیت و قانون اساسی و متمم آن است یعنی ملت، نه شاه، نه دولت، نه وزیر دربار و نه بنایی که آن بنا را سرهم کرد.

### شاهان پهلوی و ترویج مذهب

در ماده ۳۹ متمم قانون اساسی فصل سوگند سلطنت آمده است:

«من خداوند قادر متعال را گواه گرفته و بکلام الله مجید و آنچه نزد خدا محترم است، قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم.....»

از سوئی بموجب همان متمم قانون اساسی دین رسمی ملت ایران اسلام خوانده شده؛ وظیفه شاه در ترویج مذهب حاکم بر کشور در عرض وظیفه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور قرار گرفته که بخش بسیار کوچکی از سوگند سلطنت متوجه همان مسجد سازی و امثال آنهاست؛ این دقت بجاست که در سوگند سلطنت شاه تنها در ترویج مذهب اثنی عشری مقید نشده بلکه به سعی و کوشش نسبت به تمام ارکان مذهب سوگند یاد کرده است.

معنای تصریح قانون اساسی به مسئله ترویج و حراست شاه از مذهب این است که حمایت و کوشش در راه حفظ شعائر مذهبی بصورت اصول زیر بنایی جامعه سیاسی ایران در آمده یعنی نمیتوان آنرا تضعیف کرد، نمیتوان آنرا متزلزل ساخت و اگر چنین شده چرخش جامعه سیاسی ایران لنگ خواهد زد تا سرنگون شود.

**واقعا بدور از تعصب**، آنچه شاهان پهلوی خاصه شاهنشاه ایران در رابطه با مذهب کردند که حصار آن هر روز مستحکم و بلند تر شد تاجانی که هیچ مزاحمتی از سوی مذهب متوجه فعالیت سیاسی و ساخت و ساز کشور نمیشد و قوانین در مسیر افکار و خواسته های ملت بتصویب میرسید و مذهب هم در چنبره گرفتاری ها و عقب ماندگی ها و خرافات خود دست و پا میزد، افتخاری است که نصیب هیچیک از شخصیت های جهانی نشده است.... افسوس بر ما ملت که قدر نمیدانیم و برای رضایت و سبکی غرور و تعصبات کینه توزانه خود نسبت به شاهنشاه ایران همه آنها را نادیده میگیریم و ساختن مسجد را در دانشگاه بهانه میسازیم.

## آقایان عقده ای

چگونه میتوان از پادشاهی که در قید سوگند قانون اساسی در راستای اسلام و تشیع است و ملتش هم به مذهب شیعه گرایش شدیدی دارد و دینش اسلام است و آن مذهب و اسلام هم زیان و خسارت و یا مانعی برای تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران نیست به جلوگیری از شعائر مذهبی و ساختن مسجد با گذاشتن قانون اساسی و متمم آن زیر پا عمل کند؛ آنوقت آن شاه میشد شاه مشروطه، یا باز بهانه ها میشد چرا شاه برخلاف قانون اساسی در ترویج مذهب نکوشید؟

## قضاوت درست

✚ یکی از ارکان قضاوت درست انتخاب معیارهای قانونی زمانی است که اتهام وارد شده است؛ اینکه گفته میشود قانون عطف به ماسبق نمیشود، گویای همان اصل است و باز اینکه گفته میشود موضوع شامل مرور زمان شده است هم همان است، که گذشت زمان و تحولات برآمده بر زمان امکان نمیدهد که به آن موضوع بر اساس قوانین و شرائط امروز رسیدگی شود.

✚ اتهام به شاهنشاه در رابطه با مسائل مذهبی نمیتواند بدون توجه به قانون اساسی مشروطیت ملاک رسیدگی و اظهار نظر حقوقی قرار گیرد، شرائط زمانی و مکانی از اصول مهمه اظهار نظر در آن مورد است.

✚ معیار قراردادن اقدامات جمهوری اسلامی و یا برداشتهای ایرانیان از اسلام و مذهب تشیع معیارهایی نیست که بتواند در قضاوت نسبت به اعمال و رفتار شاهنشاه ایران نسبت به مذهب و ترویج آن ملاک اظهار نظر قرار گیرد زیرا آن معیارها مربوط به قانون اساسی مشروطیت و شرائط زمانی ۴۰ سال قبل می شود.

## اتهام خرافه پرستی

تحریر بالا میتواند از جامعیت نسبی برخوردار باشد اگر به اتهام خرافه و اوهام پرستی که به شاهنشاه ایران نسبت داده شده پاسخی می داشت که امید وارم در فرصتی این دین هم ادا گردد.

=====

بناچار اینهم لازم است اضافه شود؛ دین مسیحی و کلیسا تاثیر به سزایی در تمدن اروپا و غرب داشته است. کلیسا باعث میشد فقر فرهنگی و بیسوادی در جوامع اروپایی در عقب مانده ترین وضع نگاه داشته شود. سقوط امپراتوری روم در قرون وسطی، نتیجه حضور گسترده و فعال کلیسا ها بوده است. به همین دلیل کلیسا پس از سقوط امپراتوری روم تلاش کرد جای آن امپراتوری را بگیرد. با این همه کلیسا و حکومت کلیسا در همه شئون اروپا باقی ماند. حتا این اثر در شیوه آرشیواری اروپا تاثیر مستقیم داشت. بسیاری از دانشگاه های اروپا بعدها توسط کلیسا بنیاد گذاشته شد تا نه سواد بلکه اصول دین و مذهب را آموزش بدهند.



بسیاری از تاریخ نگاران مدرسه های مذهبی مسیحی را در ارتباط با اخلاق جامعه سفارش به حفظ کرده اند. کانادا هنوز اسیر این تداوم کلیسا در آموزش است و مدرسه هایی تا پیش از دانشگاه بنام مدرسه های کاتولیک جدا از آموزش دولتی رایج با فشار به مالیات مردم حفظ شده است. که با ادعای سکولاریسم غرب مغایرت کامل دارد. در این مدرسه ها تکنیک های مذهبی بر مسایل و دانش مدرن برتری دارند.

بعد ها که رفرم و رنسانس در اروپا رخ داد، غرب را از شر کلیسا خلاص نکرد، بلکه حتا نقاش های کاتولیک و پروتستان از هم تفکیک شدند ولی هنوز حضور دارند، میکل آنژ ایتالیایی، لئوناردو داوینچی، رافائل کارهایی در جهت حفظ کلیسا تولید کردند.

در موسیقی کسانی مانند؛ پاچل بل، ویوالدی، باخ، هاندل، موتزارت، هایدن، بتهون، شوپرت ورودی همگی گرچه موسیقی کلاسیک را پاس داشتند ولی ملودی های آنان همگی در پاسداشت مذهب ادامه یافته است.



هنوز کاخ بوکینگهام و سلطنت ملکه انگلستان وابسته به کلیسای کاتولیک که امروز کلیسای کانتنبوری خوانده میشود باقی است و حتا جشن زایش ملکه در کلیسا برگزار میشود و کلیسا تاج بر سر ملکه و شاهان انگلستان میگذارد.

شاهنشاه ایران خود تاج بر خودشان و «تاج بر سر آن بانوی برتر میگذارند».

این بهانه جویان، چشم دیدن این پدیده های حاضر و قابل دیدن در غرب را ندارد و تنها نیش قلم و زبانشان متوجه ایران و شاهنشاه است. با پوزش از جسارت این چند جمله، از استاد امیرفیض.

کمترین

ح-ک